

مرکز دوم

بمحض اینکه کندالینی در بدن ما حرکت در آمد، وارد این مرکز، یعنی مرکز خلایقیت میشود. تمایلات هر کس در قسمت چپ و قدرت اجابت این تمایلات، در طرف راست می باشد. بطوریکه ملاحظه خواهید کرد، این خواستها توسط کانال چپ، وارد سوپراگو قسمت طرف راست نیمکره مغز شده، به همان ترتیب قدرت اجابت این (خواستها) همزمان توسط کانال راست، وارد قسمت چپ نیمکره مغز، یعنی اگومیشود (مراجعه شود بقسمت کانالها) در ضمن این مرکز محل تولید خشم و غضبها و ناراحتیهای هر شخص می باشد. یکی از امیال و آرزوی دیرینه بشر پی بردن به راز خلقت میباشد، "که از کجا میائیم و به کجا میرویم. از چه خلق شده ایم، و چرا دوباره به سوی او بر می گردیم". تلاش ما برای یافتن جواب قانع کننده به این سئوالات تا بحال بدون نتیجه مانده است. در تصور بشر این بوده است که رسیدن به این جوابها کار مشکلی است، ولی بمرور زمان بشر به آن پی برده است که کشف این اسرار نیاز مبرمی به شیوههای عمیقتری دارد، برای اینکه بشر هنوز به این آگاهی نرسیده که درک نمائید، که راز تمامی خلقت در وجود خودش نهفته است، بدین جهت است که ما دایما بدنبال گمشده ای هستیم، که حتی نمی توانیم نام خاصی به آن بدهیم، بقولی آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم، یار در خانه و ما گرد جهان میگردیم. تمام شواهد حاکی بر این امر هستند که، از هزاران سال، اجداد و نیاکان ما هم در جستجوی جوابی برای این معما بوده اند، ولی هیچکدام تاکنون موفق به حل آن نشده اند، و بدین ترتیب هم نتوانسته اند راه مشخصی را برای رسیدن به راز خلقت بیابند. متأسفانه انسان از ذات طبیعی که خداوند در نهادش گنجانده است، بوسیله امیال، افکار، اندیشه و درک خویش دور شده است. به همین دلیل است که، نتوانسته ایم، به این راز پی ببریم، و از این ظلمت و نادانی بیرون بیاییم و جواب قانع کننده ای برای سئوالات خویش پیدا نمائیم.

با رعایت و آشنائی با اصول صلح درونی نتنها جواب، بلکه روش دست یافتن به گمشده درونیمان را نیز پیدا خواهیم کرد، زیرا که خداوند نمی خواهد که سوالی بدون جواب برای انسان بماند زیرا که خداوند انسان را با عشق و همانند خودش خلق کرده، تا تصویر خودش را در انسان ببیند، پس برای رسیدن به این هدف می بایست سرخی را بدست ما بدهد، که همانا احیا و بیداری کندالینی در ما میباشد. انسان را اشرف مخلوقات میدانیم زیرا که معتقدیم که، در درون او نیروی الهی خارق العاده ای بنام کندالینی نهاده شده است. این نیرو در وجود ما حکم مادری را دارد که به ما درک لازم برای جوابگویی به تمام سئوالات فوق الذکر را عطا میکند.

شناخت ما: از کانون افکار محدود مان نشات میگیرد. کسب معرفت از امور خلقت مستلزم داشتن درک و شعوری نامحدود میباشد، که آن توسط بیداری کندالینی و وارد شدن آن بمغزمان انجام میشود (برای درک بهتر این مطالب میتوانید به سخنرانی خانم شیرین ماتاجی مراجعه فرمایید). شناخت، افکار و اندیشه های ما توسط حواس پنجگانه، از بیرون به درونمان منتقل میشوند. گوشها یمان صدا را از بیرون، به درون هدایت میکنند. چشمهایمان، تصاویر محیط اطراف را به درونمان ارسال می کنند، و ما را از زیبایی آن تصاویر آگاه می گردانند. با دستهایمان اجسام را لمس می کنیم. به وسیله بینی عطر و بوی محیط خویش را حس می کنیم. با زبان خویش طعم مواد غذایی و آشامیدنی ها را می چشیم. ولی با تمامی این نعمت ها که خداوند در اختیار ما گذاشته، تا بحال قادر به درک او نبوده ایم و تا به امروز، این آرزوی دیرینه ما انجام نشده است. با وجود پیشرفتهای عظیم علمی، انسان هنوز قادر به شناخت و درک خویش و خدا نبوده است، چرا که آن حس خارق العاده هنوز در ما احیاء نشده است.

درک، ذهن، هوش و حافظه ما هر چقدر هم قوی باشند، باز بطور ناقص کار میکنند. برای شناخت خداوند، نیاز به ابزار و وسیله ای صد در صد کامل و بدون نقص داریم. اگر چه انسان از حواس پنجگانه به نسبت از حیوانات بهتر استفاده می کنند، ولی عملاً باز در می یابیم که نیاز به قدرتی داریم، که ما را به آگاهی برتر برساند، که ما انرا در زبان عامیانه حس ششم می نامیم، با داشتن این حس و پنج حس دیگر، طالب آن هستیم که با کائنات و همچنین با او که خالق ماست، ارتباط برقرار نمائیم. ولی متأسفانه حواس پنجگانه ما وسایل ناقصی هستند که، با آن ما هرگز نخواهیم توانست، به وجودی کامل پی ببریم.

در حین غذا خوردن بیشترین تعداد حواس پنجگانه خویش را بکار می بریم. برای درک مفهوم واقعی موسیقی مثل موتزارت نیز تنها گوش ما کافی نیست، بلکه شناخت زبان آن موسیقی و هارمونی آن هم لازم است. بنابراین ما به نیروئی بالاتر و قویتری از حواس پنجگانه خود نیازمندیم. البته اگر بخواهید، به آگاهی برتر که برایتان مختصراً شرح دادیم برسید، با کمک صلح درونی، شما خواهید توانست

با نیروی مادری، که در درونتان، از آغاز خلقت نهاده شده است، آشنایی پیدا کنید. به نظر ما، این همان نیروی می باشد که، تمامی جستجوگران، از آغاز خلقت تا بحال، بدنبال آن گشته و می گردند. این نیروی مادری، طبق (تصویر سیستم ظریف) در پایین ترین قسمت ستون فقرات یعنی در استخوان مقدس یا لگن خاصره مستقر شده است. همانطور که قبلاً توضیح دادیم، بدن ما قادر نیست تمامی حواس پنجگانه را توأماً با هم بکار ببندازد و هر کاری که انجام می دهیم، تنها بخشی از اعصاب ما تحت تأثیر قرار می گیرد، قسمت زیادی از اعصاب و عضلات حسی و حرکتی ما بی استفاده می مانند. پس ملاحظه می فرمائید که اولاً حواس پنجگانه با هم نمیتوانند بطور همزمان فعالیت کنند و به فرض هم اگر بتوانند هیچگاه قادر به کاراندازی کل سیستم عصبی نخواهند بود، در نتیجه برای فهم این مطلب پیچیده و کامل با چنین ابزاری که در اختیار داریم دچار مشکل خواهیم شد. حال توجه خود را به جائیکه کندالینی (در پایین ترین قسمت ستون فقرات) در آن مستقر شده است بدهید. زمانی که کندالینی ارشاد شود در امتداد ستون فقرات شروع به حرکت می نماید و بعد از احیاء تمامی اعصاب منشعب شده از ستون فقرات وارد نخاع و از آن به طرف مغز رفته و آن را منور می نماید و در آخرین مرحله از ملاحج سر خارج میشود. از باز تاب حرکت این نیرو در بدن ما نسیم خنکی بوجود می آید، که ما آنرا نسیم الهی می نامیم.

هر آنچه که در بدن ما وجود ندارد، در بیرون و اطراف ما وجود دارد. بیرون و خارج بدن را تمامی کائنات یعنی خدا احاطه کرده است. در ایام ارشاد یا تحقق نفس، تمامی اعصاب موجود در بدن تحریک و فعال میشوند. این امر برای مغز واقعه ای بسیار نو و جدید می باشد، چون مشابه آن را در خزینه افکار و تجارب گذشته خویش ندارد، بدین وسیله مغز ما برای مدت خیلی کوتاهی به زمان حال برمی گردد، تمام ارتباط خود را با گذشته و با آینده از دست میدهد. در این زمان نسبتاً کوتاه ما قدرت تفکر نداریم، یعنی حالت مخصوصی به وجود می آید که ما آن را نظارت بدون تفکر می نامیم. توسط این نیروی ظریف و حرکت آن آمادگی کامل پیدا می نمائیم تا قدرت لایزال را در وجود خویش احساس نمائیم. از این به بعد برای زمان کوتاهی، تمامی اعصاب ما و هر یک از سلولهای بدن ما را ارتعاشات در بر می گیرند که آن را ویرایش می نامیم. در ابتدا درک این ارتعاشات زیاد محسوس نیست ولی به مرور زمان که بدن شما واقعاً پاک می شود و دو باره معصومیت خودتان را کسب می نمائید، جریان این ارتعاشات را خیلی شدیدتر می شود، (به مبحث مرکز اول مراجعه بفرمایید).

از آنجائیکه ارشاد و تحقق نفس از هیچ زمان و مکانی تبعیت نمی کند، ما میتوانیم در هر حال و در هر جایی مثل خانه، سینما، مسجد یا کلیسا آنرا حس نمائیم. از این به بعد این ویرایش هدایت شما را در دست می گیرد. شما میتوانید با این نیروی سازنده در هر مکان و در هر زمان در تماس باشید، تا تجربیات شخصی خود را کسب نمائید و قتیکه تجربیات شما کامل شد، آنرا در اختیار دیگران خواهید گذاشت، درست همینطور که ما به صورت رایگان در اختیار شما قرار داده ایم و شما هم چنین خواهید کرد.

در بالا اشاره شد که در طرف راست مرکز دوم محل تولید خشم و غضب و زور و قدرت می باشد، که ما میتوانیم از آنها بطور مثبت برای دفاع خویش استفاده نمائیم ولی امروزه فقط از خواص این مرکز برای زور گفتن بدیگران استفاده میشود، یا اینکه مردم بزور میخواهند خشم خویش را از نظرها پنهان نمایند و خود را آدم رعوف و مظلوم جلو بدهند. تنها راهی که ما میتوانیم بر خشم و غضب خویش چیره شویم، که بتوانیم کسی را عفو کنیم بخشش است، چونکه از خشم، انتقام بوجود می آید که متضاد آن عفو می باشد. (مراجعه شود بمرکز ششم و هفتم) بطوریکه خواهید دید خشم و غضب در مرکز دوم شروع میشود توسط کانال راست راهی مرکز پنجم شده و در انجا بصورت خشم بروز می کند که این عمل باعث بسته شدن مرکز ششم شده و آن بطوریکه شرح داده شد فقط به فقط توسط عفو و بخشش باز میشود. چنانکه تا بحال فهمیده اید تمامی این مراکز، بصورت زنجیر بهم دیگر وصل شده اند، اگر یک مشکلی در یکی از آنها بیاید باعث بلوک و مسدود شدن تمامی سلسله مراکز شده و شما بدین ترتیب نخواهید توانست نسیم الهی را حس نمائید. برای برداشتن این بلوکها و باز کردن دوباره مراکز، رجوع شود به بخش خوددرونی روز دوم و قسمت بازکردن کانالها و مراکز.